

نسی که به تهریزیه روزنامه نشان داد که عده‌های آن را در راستای فشارهای قوه قضاییه می‌دانستند تغییراتی را نیز در صفحات به‌وجود آورده بود، از جمله این تغییرات افتتاح صفحه‌ای به نام 'مسائل ایران' می‌بود که نامش این اجازه را به مسؤولان صفحه می‌داد که به تمام مسائل ایران در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فکری و... بپردازند. خوانندگان در این صفحه شاهد آرایه مطالب از عزیزانی همچون دکتر حبیب الله پیمان، دبیرکل جنبش مسلمانان مبارز رضا علیجانی سردبیر ماهنامه ایران فردا و عضو دفتر پژوهش‌های دکتر شریعتی، و تقی رحمانی عضو دفتر پژوهش‌های دکتر شریعتی و مسعود پدram عضو دفتر پژوهش‌های فرهنگی دکتر شریعتی و سردبیر فصلنامه با مخاطب‌های آشنا، ارگان این تشکل حسن یوسفی اشکوری مسؤول دفتر پژوهش‌های دکتر شریعتی مسعود فراستخواه عضو سابق دفتر پژوهش‌های دکتر شریعتی و سردبیر فصلنامه (فراراه) و مراد تقفی مدیرمسئول فصلنامه گفت‌وگو و عباس عبدی از دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا و عضو سابق تحریریه روزنامه سلام و از اعضای هیأت سردبیری روزنامه صبح امروز و دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران بوده‌اند. همچنین مصاحبه ده قسمتی روزنامه با دکتر ابراهیم یزدی نیز در این صفحه به چاپ رسید. همان‌طور که می‌دانید این اشخاص - که بنده احترام خاصی برای آنها قایلم و بنا به حرفه خبرنگاری‌ام با همه آنها ارتباط داشته‌ام. - اکثراً متمایل به طیفی می‌باشند که فارغ از سستی بودن یا نبودن در جریان چپ ایدئولوژیک می‌گنجد. اگر چه نهضت آزادی همان‌طور که جلالی پور نیز اذعان داشته است در محدوده تفکر راست مدرن قرار می‌گیرد. ولی گفتنی است که نهضت از بعضی جنبه‌ها اگر چه هم‌اوا به این طیف می‌باشد، ولی این جنبه‌ها نمی‌توانند ما را از جنبه سستی و ایدئولوژیک آنها در بعضی موارد غافل نماید (مسئلاً پرداختن به این جنبه از نهضت آزادی، مقوم جریان راست مدرن نخواهد بود) در روند انتشار صفحه 'مسائل ایران' شاهد چاپ حتی یک مقاله از آن جریان فکری که روزنامه جامعه و توس به دنبال آن بوده‌اند، نبوده‌ایم...

ویژه نامه وزین نشاط در سالگرد دکتر شریعتی نیز که احتمالاً توسط همین گروه تهیه شده است، مؤید همین نظر می‌باشد. ما در این ویژه‌نامه کمتر مطلبی را در نقد تفکر چپ و ایدئولوژیک و آرمان‌های عدالت اجتماعی که دغدغه شریعتی بوده‌اند، می‌بینیم:

سخن من با گردانندگان روزنامه نشاط، بالاخص جناب جلالی پور و شمس الواعظین این است که مشخص کنید با چه سیاستی پیش

خواهید رفت؟ مگر عده‌ای از دوستان شما نبودند که به خاطر همین تمایلات به تغییر مواضع، وضعیت خود را با دکتر سروش مشخص نمودند و از او فاصله گرفتند. شما باید بدانید که پرداختن به دغدغه‌های دو گروه فکری متفاوت نمی‌تواند تلاوم داشته باشد و نشاط یا باید به‌عنوان خاستگاه طیف راست مدرن باقی بماند و بر اعتقاد

خود بر لیبرالیسم دینی و سرمایه‌داری پافشاری کند و تغییر مسیر ندهد و... ولی آیا نشاط، ایران فردا یا پیام هاجر خواهد شد؟ این سؤالی است که از نظر من جوابش منفی است تا چه میسر افتد.

۷۸/۴/۷



پیام روزنامه‌ها مدنی راشتبای دریافت کرده‌اید

محمد قوچانی

لاجرم ایدئولوژی اندیش قلمداد شده‌اند. در مورد ویژه نامه نشاط به مناسبت بزرگداشت دکتر شریعتی که به درستی دریافت‌اند، توسط همین گروه تهیه شده است، ... همان ویژه‌نامه افزون بر آقایان رحمانی و آغاچری و رجایی و اشکوری منتقدانی نیز حضور داشتند. آقای جلالی پور گفتند که در اندیشه شریعتی دولت جایگاهی ندارد. موسی غنی نژاد به نقد نظریه دموکراسی متمهد پرداخت و مجید محمودی به نقادی از رویکرد شریعتی به فرهنگ پرداخت. ... سخن از غلبه تفکر صفحه مسائل ایران بر گروه داخلی و سیاسی نشاط رانده‌اند و در ستون تریبون اشاره کرده‌اند که تریبونی است در جهت اشاعه همین تفکر. خوانندگان مستمر روزنامه نشاط می‌توانند اسامی یک هفته این ستون را احصا کنند که در آن صورت بی‌گمان نام‌هایی چون ابراهیم یزدی، صادق زیبا کلام، حمیدرضا جلالی پور، مجید محمدی، مرتضی مردیها، مسعود بهنود بسیار آشنا خواهد بود و تکرار نام‌های حسن یوسفی اشکوری، عمادالدین باقی و یکی دو گفت‌وگو با عزت الله سبحانی و هاشم آغاچری بی‌فروغ خواهد بود...

۷۸/۴/۸



نقد شفاف برادر جوانم رضا خجسته رحیمی بر صفحه مسائل ایران که روز گذشته و تحت عنوان 'نشاط به کجا می‌رود' در همین روزنامه به چاپ رسید، از هر جهتی که شایسته پاسخگویی باشد از یک جهت درخور تقدیر است و آن جسارت و شهامت این دوست جوان همشهری ما در عیان کردن بسیار غلیظ تعلقات ایدئولوژی‌کشان است ... فرموده‌اند (و نام‌هایی نیز در ردیف کرده‌اند) که نویسندگان صفحه مسائل ایران متمایل به جریان چپ ایدئولوژیک هستند. به همین فهرست ایشان رجوع می‌کنیم:

در میان اسامی مذکور بی‌گمان هر کس چپ و ایدئولوژیک باشد حضرت آقایان مراد تقفی و ابراهیم یزدی این توصیف را در مورد خود انکار می‌کنند و جالب اینجاست که هر خواننده منصف آثار و آشنای محقق آرای این دو بزرگوار می‌داند که اینان خود از منتقدان چپ و ایدئولوژی‌اند. به‌عنوان یک نمونه آشکار آقای رحیمی را به مقاله‌ای از جناب تقفی در دومین شماره نشریه گفت‌وگو حواله می‌دهیم که به نقد آرای دکتر شریعتی پرداخته است و البته شاید چون جناب ایشان در همان گفتار از موضع نقد روشنفکری دینی به نقد دکتر سروش نیز پرداخته است، مقبول طبع لیبرال پسند و پلسورال مشرب جناب رحیمی نیفتاده و چون از ایشان نیست،



چشم‌انداز ایران شماره ۲